تصحیح صوم یوم الشک با نیت مردد، در بیان مرحوم حکیم

الف) تحقق جزم در نیت

> **لكن الجميع لا يخلو من إشكال : أما الأول : فلأن الواقع لما لم يخل عن أحد التقديرين ، فنية كل على تقدير بعينه ترجع إلى نية كونه من شعبان لا غير إذا انكشف أنه من شعبان أو من رمضان لا غير إذا انكشف أنه من رمضان ، فالفاصل بين الوجهين محقق حينئذ. نعم لا جزم بالمنوي حال النية. إلا أنه لا دليل على قدحه في العبادة حتى مع إمكان الموافقة التفصيلية الظاهرية ، كما هو محقق في الأصول ، وأشرنا إلى وجهه في أوائل مسائل التقليد من هذا الشرح**
>
> **[1]**

«لكن الجميع لا يخلو من إشكال: أما الأول»؛ اما نسبت بهدلیل اول، **«فلأن الواقع لما لم يخل عن أحد التقديرين»؛** واقع که یکی بیشتر نیست. ای ماه مبارک است ای شعبان است. **«فنية كل على تقدير بعينه ترجع إلى نية كونه من شعبان لا غير إذا انكشف أنه من شعبان أو من رمضان لا غير إذا انكشف أنه من رمضان»؛** عبارت چه بود؟ لأنه لم يكن أحد السببين قطعاً. می‌گویند چرا؟! بلکه «یکی احد السببین قطعاً»، اما قطعی است که به واقع می‌خورد. اگر ماه مبارک است، نیتم قطعاً من سبب رمضان. اگر ماه شعبان است، نیتم قطعاً من شعبان. پس نیت احد السببین قطعاً. اما علی نحو الاجمال. شما می‌خواهید احد السببین را قطعاً نیت کرده باشم، خب قاطعا نیت کرده‌ام. هر دوی آن‌ها هم قطعی است. جزم در نیت داشته باشم، خب دارم. حتماً امروز را روزه می‌گیرم و حتماً نوای صوم هستم و حتماً اگر شعبان است نیت شعبان دارم و حتماً اگر ماه مبارک است نیت ماه مبارک می‌کنم. کجا این نیت من مشکل پیدا کرده؟!

«فالفاصل بين الوجهين محقق حينئذ. نعم لا جزم بالمنوي حال النية»؛ وقتی می‌خواهم نیت کنم، منوی من که شعبان است ای ماه مبارک است، فعلاً جزم به آن ندارم. ولی چه کسی گفته که اینطور نیاز است؟! **«إلا أنه لا دليل على قدحه في العبادة حتى مع إمكان**

الموافقة التفصيلية الظاهرية»؛ حتی اگر می‌توانم دنبالش هم بروم، شارع من را مکلف نکرده است. کما اینکه در خیلی از جاها عسر پیدا می‌کنم. من می‌توانم الآن نیت کنم آن چه را که عند الله است و وظیفه من است. ولی در نیت جازم هستم؛ در آن چه که خداوند وظیفه من قرار داده شک ندارم. جزماً نیت من همانی است که وظیفه فعلی مَن، عند الله است. خب می‌گویی از آن اسم ببر. می‌گویند خدا که می‌داند. من هم فعلاً اگر بعدنبال آن بروم آن را می‌دانم. «مع التمکن»؛ اگر بعدنبال آن بروم من هم می‌دانم. اما فعلاً نمی‌شود. ای حتی ساده‌ترین وجهش این است که حال ندارد. اگر مولی من را مکلف کرده دنبالش می‌روم. اما وقتی حال ندارد و مولی هم تکلیف نکرده همین اندازه کفایت می‌کند. این فرمایش ایشان است.

شاگرد: این را ذیل فرع سوم می‌فرمایند؟ درجایی‌که نیت او مردد است، این را مطرح می‌کنند، نه درجایی‌که منوی او مردد است؟

استاد: بله، ایشان بعداً نسبت به این دو مورد می‌گویند «لم یظهر لنا فرق». حالا من بخشی از عبارت را می‌خوانم. بخش دیگر آن به تفصیل بیشتری خوانده می‌شود. این فرع خیلی خوبی است. در اینجا حواشی متعددی هم هست.

«كما هو محقق في الأصول ، وأشرنا إلى وجهه في أوائل مسائل التقليد من هذا الشرح»؛ در تقلید هم همینطور است. دو مجتهد هستند، من حتماً باید تعیین کنم که أعمل هذا بحجة فتوی زید؟ یا چون هر دو مساوی هستند تعیین لازم نیست؟ یا حتی اعلم بین اینها است ولی متفق الفتوی هستند. می‌دانم که یکی از زید و عمرو اعلم هستند ولی فعلاً نمی‌دانم. اما فتوای هر دو یکی است. اختلاف فتوا ندارند. من می‌گویم طبق فتوای یکی از این دو که اعلم است، من عمل می‌کنم. اگر هم بعدنبال آن بروم می‌دانم که کدام اعلم است. آیا لازم است که بعدنبال آن بروم یا نه؟ ایشان می‌گویند «وأشرنا إلى وجهه في أوائل مسائل التقليد»، که لازم نیست. من همان که وظیفه فعلیه را انجام می‌دهم کافی است. این برای مسأله اول است که مسأله نیت است.

ب) امکان تصویر حقیقت واحده در صوم شعبان و رمضان

اما آن چیزی که مرحوم شیخ فرمودند حقیقت صوم دو تا است، توضیحش چیست؟ مواردی دارد که من اشاره می‌کنم. قبلاً هم صحبت شد. در صفحه ۲۱۰ مستمسک، مسأله هشتم و نهم و دهم، دارند. سؤال‌های خیلی ساده‌ای است. روزه نذری با روزه ماه مبارک، هیچ کسی در جنس آن‌ها اشکال ندارد که همه روزه هستند. اما نوعاً از حیث حقیقت، دو نوع روزه است یا یک نوع؟ سؤال مهم این است. صوم نذری و صوم ماه مبارک، دو نوع است یا یک نوع است؟ ارتکاز شما چه می‌گوید؟ صوم قضا و صوم نذری، صوم کفاره، این‌ها چند نوع صوم است یا یکی است؟ مرحوم شیخ انصاری در کتاب الصوم که قبلاً بحث می‌کردیم، در صفحه ۹۷ و ۹۸ تفصیلاتی دارند. علماء هم نوعاً اینجا را متوعّ می‌گیرند. حتی مرحوم حاج آقا رضا همدانی در مصباح –که عرض کردم در حقیقت صوم بحث خوبی دارند- ایشان هم امور بیرونی را متوعّ می‌گیرند.

> 20:11

خب علیای حال سؤال خوب و پرفایدهای است. صوم کفاره، صوم نذری چند حقیقت هستند ای یک حقیقت هستند؟ مرحوم شیخ فرمودند که این دو حقیقت است. حالا نماز ظهر و نماز عصر، یک حقیقت است ای دو حقیقت است؟ ارتکاز شما چیست؟

شاگرد: دو حقیقت است.

استاد: نوعاً همه همین فرمایش ایشان را میگویند. مشهور همه همین است که نماز ظهر و عصر دو حقیقت است. در مباحثه فقه –سال 95 ای ۹۶ ای ۹۳ بود- به تفصیل در اینباره که نماز ظهر و عصر دو حقیقت است ای یک حقیقت، مفصل در مورد مبادیش بحث کردیم. حالا اگر پیاده شده، مراجعه کنید. فعلاً در ذهن شریفتان میخواهم بحث را باز کنم تا روی آن تأمل کنید که اینها حقائق متباین هستند ای نیستند. خب الآن به نظر شما اگر نماز ظهر و عصر دو حقیقت هستند، حالا به ماه مبارک میآییم.

روزه اول ماه مبارک و روزه روز دوم آن، یک حقیقت هستند ای دو حقیقت؟

شاگرد: یک حقیقت هستند.

استاد: چطور یک نمازی که برای ظهر است و دیگری برای عصر است، شما گفتید دو حقیقت است ولی امروز که روزه اول ماه است و فردا روزه دوم ماه است، آن جا میگویید یک حقیقت است؟

شاگرد: فرقشان ماهوی نیست.

استاد: در نماز ظهر و عصر تفاوت میکند؟ چطور ماهوی است؟

شاگرد: چون نماز ظهر و عصر ماهیتاً فرق دارند.

استاد: چرا؟! اگر بچهای در اینجا باشد میگوید که عین هم خواندید. میگوید یک کلمه تفاوت نکردند. چهار رکعت خواندید و چهار رکعت خواندید.

شاگرد۲: نماز ظهر امروز و نماز ظهر فردا.

استاد: دو فرد یک حقیقت هستند. ایشان میگویند دو فرد از یک حقیقت هستند.

شاگرد۲: روزه امروز و فردا تفاوتشان در زمانشان است.

استاد: اینها را که میگویید میبینم آن وقت هم اینها مطرح شده است. مباحث خوبی است. این چیزی هم که ایشان فرمودند مشهور هم همین را میگویند. یعنی باید اینها تحلیل شود. همانطور که ایشان گفتند ظهر و عصر را دو حقیقت میگیرند.

شاگرد: نماز ظهر یک تکلیف است، نماز عصر یک تکلیف است و سی روز رمضان هم یک تکلیف است.

استاد: سی روز یک تکلیف است؟! یعنی اگر کسی یک روز را نگرفت همه آنها باطل است؟!

شاگرد: یعنی شارع سی روز را تکلیف کرده است. یک خطاب دارد.

استاد: ببینید «**فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ**[2]»، دنبالهاش میفرماید «**وَ مَنْ كانَ مَرِيضاً أَوْ عَلى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ**»؛ این عده اقل واکثر ارتباطی است یا استقلالی؟ سی روز را کامل کنید؛ این اقل و اکثر استقلالی است یا ارتباطی؟

شاگرد: استقلالی هست ولی اصل تکلیف سی روز است.

استاد: نماز شبانهروز هم صلات یومیه است.

شاگرد: درست است اما به هر کدام جدا جدا تکلیف شده است.

استاد: یعنی اگر شما روز اول مسافر بودید و روز دوم مسافر بودید، تکلیف استقلالی برای روز سوم که مسافر نیستید، نمیآید؟! در روز دوم مسافر هستید و تکلیف نیست، سوم ماه مبارک تکلیف استقلالی میآید یا نمیآید؟! میآید. پس توجه خطاب یوم ثالث از شهر رمضان به شما، مقید به این نیست که تکلیف دوم هم آمده باشد. روز دوم مریض بود و روز سوم خوب شد، تکلیف میآید یا نمیآید؟! میآید.

شاگرد: تکلیف روزبهروز نیامده است. مثلاً بگویید روز اول واجب هست، روز دوم واجب هست و...، اما گفته شهر رمضان.

استاد: بسیار خب، چرا در هفته که نماز میخوانید بهصورت جدا جدا نگفتهاند که یکشنبه یک نماز بخوانید، دوشنبه یک نماز ظهر بخوانید؟! چون افرادش مثل هم هستند. در اینجا هم اگر روزها با هم فرق داشت، اسم میبردند.

شاگرد۲: اگر ثمره آن را بفرمایید شاید بهتر فهم شود.

استاد: من میخواهم این باز شود. خیلی از سؤالات برای این است که مسأله باز شود.

شاگرد: در شریعت یک عنوان آمده است. یک عنوان صوم شهر رمضان آمده که انحلال پیدا میکند به سی روز.

استاد: خب صلات هم یک عنوان است که منحل به «کبّر، اقرأ، ارکب»، ولی ارتباطی است. شما نمیتوانید رکوع را به جا بیاورید ولی قرائت را نخوانید. «صلّ» یک عنوان است که انحلالی است که از «کبّر» جدا است. وجوب نفسی انبساطی دارد. اما ارتباطی است. یعنی صرف عنوان واحد بودن مجوز نمیشود که ارتباط باشد یا ما بگوییم که حقیقت اینها یکی است. الآن در نماز حقیقت رکوع با حقیقت سجده یکی است یا دو تا است؟ دو تا است. اما تحت یک عنوان به آنها امر شده است.

شاگرد: اگر بخواهیم اعمال را تقسیم کنیم و هر عملی را جای خودش قرار بدهیم، سی روز را یک جا قرار میدهند. عصر را با ظهر قاطی نمیکنند. عصر را یک جا میگذارند و ظهر را یک جا. رمضان را جدا میگذارند. بله، همه عصرها جدا جدا هستند ولی از نظر جایگاه خودشان جدا جدا هستند. سی روز رمضان یک جا است، عصر یک جا است، ظهر یک جا است، مغرب یک جا است، صبح یک جا است.

استاد: فرمایش شما خوب است. یعنی در رمز جاگذاریها جلو رفتهاید. اما وقتی اول عروه را باز میکنید و میخواهید انواع نمازها را بگویید، میگویید نماز دو جور است؛ صلوات مندوبات و صلوات فریضه. فرائض را که میخواهید بگویید میگویید: یک، دو و سه. میگویید الصلوات الیومیه.

الآن که می‌گویی الصلوات الیومیه، عنوان واجب را به چه چیزی می‌زنی؟ مقابل نمازِ طواف و ...، این را به شب‌نه‌روز می‌زنی. الآن در دلِ این یومیه، ظهر و عصر با هم هست یا نیست؟!

> 27:10

شاگرد: داخل خودش دوباره تقسیمات دارد.

استاد: وقتی صلوات یومیه می‌گویی، جنس را می‌گویی یا این‌که صلوات یومیه مقابل طواف است؟! صلوات طواف یک صلات است و نمازِ شب‌نه‌روز یک نماز است. شبیه این‌که شما گفتی شهر مبارک را یک ظرف زمانی می‌گیریم که با این عنوان همه را کنار چیزهای دیگری می‌آوریم. در این‌جا هم صلوات یومیه را تحت عنوان صلوات یومیه می‌آوریم. خب پس می‌گویی یک فرد آن نماز ظهر است. از کجا می‌گویی یک نوعش است؟! اگر صلوات شب‌نه‌روز، صلوات یومیه جنس است، تحته انواع؟ یا صلوات یومیه نوع است که تحته اصناف؟ که یکی صنف از آن نماز ظهر است.

شاگرد: زیر مجموعه حیوان، ناطق هست، ساهق هست؛ آن هم یک نوع حیوان است اما نمی‌توان گفت انسان با فرس یکی است.

استاد: انسان هم یک عنوان است که تحت آن رجل است، مرأة هست، شاعر و کاتب هست، این‌ها هم نوع هستند؟! اصناف هستند. حالا از کجا می‌گویی شهر مبارک با غیرش اصناف نیستند و انواع هستند؟! مرحوم شیخ این‌ها را بررسی می‌کنند و می‌گویند نه، فصل مقوّم و مُنوِّع. این‌ها نوع نوع می‌شوند. سؤال این است که از کجا می‌گویی؟! در تکوینیات چه تشخیصی داریم؟ در تکوینیات هم بحث بود. در منطق اُرسطویی هم محل ابهام بود که چطور فصل را به دست می‌آوریم. در این‌جا چطور به دست بیاوریم؟

شاگرد۲: ظرف وجودش، ظرف زمانش، همه با هم مقوم نوعیت آن است. یکی یک زمان دارد و دیگری زمان دیگر. آن یکی انشاء داشته و این یکی انشاء داشته.

شاگرد: ارتکاز من به این صورت است که نه تنها صلات ظهر و عصر یک حقیقت هستند، بلکه حتی با صبحش هم یک حقیقت هستند.

شاگرد۲: جهت اشتراک دارند ولی جهت افتراق هم دارند.

شاگرد۳: جنس و نوع نسبی است. نسبت به واجبات نوع است و نسبت به ظهر و عصر... .

استاد: همین که اندازه که ببینیم در مرز بین صنف و فصل مقوم ابهام هست، برای این‌که بعض استدلالات کلاسیک را با ابهام در میانه‌اش یک چیز محکمی بدانیم برای خروجی حکم فقهی و یک فتوایی که طبق این استدلالات است. همین ابهام خیلی نافع است. در روایت بود «انما هی اربع مکان اربع»، مرحوم سید هم در عروه فتوا دادند. آقای حکیم هم غیر از این‌که نپذیرفتند فرمودند اگر هر کجا که روایات صحیح داریم، به دنبالش برویم، للزم منه فقه جدید. ذیل عروه در موالیت ببینید. آن جایی که سید به این عمل کردند.

---

[1] همان

بازبینی #1
ایجاد شده در 24 مه 2026 12:29:41 توسط ... .
به روزرسانی شده در 24 مه 2026 12:33:57 توسط ... .